## 

دیدگانشان به زیر افتاده، خوارى آنان را فرو مى‌گیرد، در حالى که [پیش از این‌] به سجده دعوت مى‌شدند و تندرست بودند. (43) پس مرا با کسى که این گفتار را تکذیب مى‌کند واگذار. به تدریج آنان را به گونه‌اى که در نیابند [گریبان‌] خواهیم گرفت، (44) و مهلتشان مى‌دهم، زیرا تدبیر من [سخت‌] استوار است. (45) آیا از آنان مزدى درخواست مى‌کنى، و آنان خود را زیر بار تاوان، گرانبار مى‌یابند؟ (46) یا [علم‌] غیب پیش آنهاست و آنها مى‌نویسند؟ (47) پس در [امتثال‌] حکم پروردگارت شکیبایى ورز، و مانند همدم ماهى [=یونس‌] مباش، آنگاه که اندوه زده ندا درداد. (48) اگر لطفى از جانب پروردگارش تدارک [حال‌] او نمى‌کرد، قطعاً نکوهش شده بر زمین خشک انداخته مى‌شد. (49) پس پروردگارش وى را برگزید و از شایستگانش گردانید. (50) و آنان که کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزى نمانده بود که تو را چشم بزنند، و مى‌گفتند: «او واقعاً دیوانه‌اى است.» (51) و حال آنکه [قرآن‌] جز تذکارى براى جهانیان نیست. (52)

به نام خداوند بخشنده مهربان

آن رخ دهنده. (1) چیست آن رخ دهنده؟ (2) و چه دانى که آن رخ دهنده چیست؟ (3) ثمود و عاد، آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند. (4) اما ثمود به [سزاى‌] سرکشى [خود] به هلاکت رسیدند. (5) و اما عاد، به [وسیله‌] تندبادى توفنده سرکش هلاک شدند. (6) [که خدا] آن را هفت شب و هشت روز پیاپى بر آنان بگماشت: در آن [مدت‌] مردم را فرو افتاده مى‌دیدى، گویى آنها تنه‌هاى نخلهاى میان تهى‌اند. (7) آیا از آنان کسى را بر جاى مى‌بینى؟ (8)